

بازشناسی توثیق اصحاب اجماع

□ رضا خدابخش یوسفی *

چکیده

این پژوهش در صدد بازشناسی توثیق اصحاب اجماع با محور جمله **أجمعت العصابة علی تصحیح ما یصحّ عنهم** می‌باشد. بنابراین، پرسش، بدین صورت مطرح می‌شود: منظور از جمله فوق در توثیق اصحاب اجماع چیست؟ با توجه به برداشت‌های مختلف از آن و منبع بودن روایات معصومین علیهم‌السلام برای اجزاء، شرایط و موانع احکام کلی که در قرآن بیان شده است، استنباط آن‌ها از روایات نیاز بر توثیق راویان احادیث دارد؛ پس ضرورت دارد که در پرسش فوق پاسخ داده شود. بنابراین، با چارچوب نظری ترکیبی تلفیقی و روش توصیفی اجتهادی، در دو محور مهم پرداخته می‌شود: یک؛ در تبیین منظور از: **«تصحیح ما یصحّ عنهم»** سه نظریه رجالی شکل گرفته است: الف. توثیق حداکثری: توثیق اصحاب اجماع با تمام مشایخ و واسطه‌های که اصحاب اجماع از آن‌ها نقل حدیث نموده‌اند و نیز تمام احادیثی که از اصحاب اجماع نقل شده‌اند. این توثیق، مستلزم دو امر محال می‌شود: با توجه به شرایط آن زمان، عدم امکان احاطه علمی علما در تمام مروی‌عنه‌ها و احادیث منقول از اصحاب اجماع می‌باشد. ب: توثیق حداقلی: تنها توثیق اصحاب اجماع در نقل حدیث. این توثیق با جمله‌های امامان معصوم علیهم‌السلام و عبارت‌های علما در مورد اصحاب اجماع تناسب ندارند. ج: توثیق حد میانه: تمام اصحاب اجماع در نقل حدیث و نیز تنها احادیثی که به طریق صحیح از آن‌ها نقل شده‌اند. این توثیق، با جمله‌های امامان معصوم علیهم‌السلام، تعبیرهای علمائی شیعه و

* دکتری فقه جامعة المصطفی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم‌العالیمة.

جمله مرحوم کشی سازگاری دارد و آن را تأیید می‌کنند. دو: منظور از اجماع در جمله فوق. اتفاق نظر علمای معروف شیعه است که مرحوم کشی با توجه به جمله‌های امامان معصوم علیهم‌السلام و علما در باره اصحاب اجماع بدست آورده است که از نوع اجماع محصل است اما برای ما از طریق اجماع منقول یا شهرت فتوایی رسیده است که در حجیت هر دو اختلاف نظر است و نیاز بر تحقیق مستقل دارد. **واژگان کلیدی:** اصحاب اجماع، اصحاب امام، توثیق حد میانه، مرحوم کشی، شهرت فتوایی.

مقدمه

در قرآن کریم، احکام به صورت کلی مانند نماز، روزه و حج بیان شده اما اجزاء، شرایط و موانع آن‌ها در روایات معصومین علیهم‌السلام بیان شده است. بنابراین، باید برای استنباط آن‌ها در روایات معصومین علیهم‌السلام مراجعه نمود. البته استنباط اجزاء، شرایط و موانع و دیگر احکام، از روایات منسوب به معصومین علیهم‌السلام علاوه بر اثبات حجیت خبر واحد و ظواهر که در دانش اصول مطرح می‌شود و فقه الحدیث که در علم درایه به آن پرداخته می‌شود، بر چگونگی اعتماد به روایت راویان احادیث، متوقف است. این بحث، در علم رجال بررسی می‌شود که موضوع آن، مردانی هستند که در سلسله سند احادیث واقع شده، اما بحث از صفات آن‌ها مطرح می‌شود که با چه ویژگی‌ها و شرایطی می‌توان به روایت آن‌ها اعتماد نمود و به معصوم علیهم‌السلام نسبت داد. یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین مباحث دانش رجال، بحث اصحاب اجماع است که برای نخستین بار، مرحوم کشی از اجماع عالمان شیعی به صحیح شمردن روایات اصحاب اجماع «راویان معین» خبر داده است، پس از ایشان سایر عالمان شیعی، وجود چنین اجماعی را نقل نموده‌اند.

بنابراین، اصطلاح اصحاب اجماع، در جمله یکی از شخصیت‌های عالی مقام شیعه: «محمد بن عمر بن عبدالعزیز کشی» (متوفای حدود ۳۴۰هـ)، دیده می‌شود. ایشان در سه مورد، تحت عنوان «فی تسمیة الفقهاء» در کتاب «معرفه الناقلین عن الائمة المعصومین علیهم‌السلام» روایاتی را به عنوان فقیهان اصحاب امام باقر علیهم‌السلام و امام صادق علیهم‌السلام، تنها اصحاب امام صادق علیهم‌السلام و اصحاب امام کاظم علیهم‌السلام و امام رضا علیهم‌السلام یاد کرده و به ستایش آنان پرداخته است. متأسفانه این کتاب مفقود گشته و به دست متاخرین نرسیده، ولی گزیده‌ای از آن را شیخ طوسی جمع‌آوری

نموده و به نام «اختیار معرفة الرجال» موجود است. هرچند مشهور تعداد اصحاب اجماع، ۱۸ نفرند ولی ۲۲ نفر بیان شده‌اند. بحث اساسی در مفاد و محتوای جمله مرحوم کشی: «أجمعت العصابة على تصحيح ما يصح عنهم»؛ یعنی اتفاق عالمان شیعی بر صحیح شمردن روایات اصحاب اجماع، است که برداشت‌های متفاوتی شده و نظریه‌های متفاوتی ایجاد شده است. بنابراین، با هدف بررسی مفاد جمله فوق، پرسش اصلی این پژوهش، بدین صورت، مطرح می‌شود: منظور توثیق اصحاب اجماع با محوریت جمله **أجمعت العصابة على تصحيح ما يصح عن هؤلاء** چیست؟.

با توجه به برداشت‌های متفاوتی از جمله فوق و با توجه به این که در قرآن کریم تنها احکام کلی همانند نماز و حج بیان شده و منبع بیان اجزاء، شرایط و موانع احکام کلی و احکام جزئی، روایات معصومین علیهم‌السلام می‌باشد. بنابراین، ضرورت دارد که در پرسش فوق، پاسخ داده شود تا زمینه‌گرایش‌ها و برداشت‌های متفاوت فقهی برداشته شود. البته، این پاسخ در چارچوب نظری تلفیقی ترکیبی با روش توصیفی فقهی پرداخته می‌شود. بعد از بیان چارچوب نظری، هر یکی از اصحاب اجماع در سه دسته‌ای که مرحوم کشی قرار داده بررسی می‌شود تا روشن گردد که کدام یکی از برداشت‌ها و نظریه‌ها از جمله مرحوم کشی با مبانی و قواعد استنباط احکام فقهی، سازگاری دارد.

۱. چارچوب نظری

منظور از چارچوب نظری، همان منظر و نقطه نظر معین و مشخصی است که در این پژوهش به مسئله مورد بحث، یعنی توثیق اصحاب اجماع با محوریت جمله **أجمعت العصابة على تصحيح ما يصح عنهم** (کشی، رجال الکشی ۱۴۰۹: ۷۰)، پرداخته می‌شود. از این جمله مرحوم کشی، سه برداشت متفاوت شده و سه نظریه مختلف در توثیق اصحاب اجماع شکل گرفته‌اند که عبارتند از:

یک. **نظریه توثیق حداکثری**؛ علمای شیعه اتفاق و اجماع دارند، بر صحیح شمردند و درست دانستند، هر آنچه‌ای را «مروی» که از ناحیه اصحاب اجماع نقل شده‌اند. نتیجه، این

نظریه توثیق عام است؛ زیرا اصحاب اجماع به دلیل علم، تقوی و جایگاهی که در نزد امامان معصوم دارند، هر حدیثی را که نقل نموده‌اند به طریق صحیح نقل کرده‌اند، اما مهم اینست که اتصال سلسله سند به یکی از اصحاب اجماع درست باشد؛ در نتیجه، از جمله مرحوم کشی، به دلالت التزامی، تمام راویانی که اصحاب اجماع از آن‌ها «مشایخ آن‌ها» نقل نموده‌اند نیز توثیق می‌شوند؛ زیرا منظور از «ما» در یصح، مروی است نه روایت. از طرفداران این نظریه می‌توان امین استرآبادی، فیض کاشانی و شیخ حر عاملی را نام برد و یکی از دلایلی که بر صحت روایات کتب اربعه و سایر کتاب‌های حدیثی مورد اعتماد شیعه آورده‌اند، وجود اصحاب اجماع به عنوان راوی بیشتر احادیث این کتاب‌ها است (عاملی، وسائل الشیعة ۹: ۱۴۰۹: ۲۲۱/۳۰، نوری، خاتمة المستدرک ۱۴۱: ۲۳/۸، فیض کاشانی، سفینة النجاة بی تا: ۱۸)

دو. نظریه توثیق حد میانه؛ منظور از اجماع، در جمله معروف کشی، اجماع علمای شیعه بر توثیق اصحاب اجماع در نقل حدیث و نیز صحیح شمردن احادیثی است که اصحاب اجماع آن‌ها را از طریق صحیح نقل نموده‌اند؛ یعنی هر روایتی را که اصحاب اجماع به صورت صحیح و طریق درست نقل نموده‌اند، علمائی شیعه در صحیح شمردن آن‌ها، و توثیق اصحاب اجماع، اتفاق دارند. منظور از «ما» در یصح، تنها نقل حدیث است که نتیجه، این اجماع، توثیق حد میانه می‌شود؛ یعنی تنها شامل توثیق اصحاب اجماع و نیز برخی از احادیثی می‌شود که از آن‌ها به طریق صحیح نقل شده‌اند. اما این توثیق شامل مشایخ اصحاب اجماع و واسطه‌های که اصحاب اجماع از آن‌ها نقل حدیث نموده‌اند و نیز بسیاری از احادیثی که از اصحاب اجماع به طریق غیر صحیح نقل شده نمی‌شود (خویی، معجم رجال الحدیث بی تا: ۶۱/۱؛ سبحانی، کلیات فی علم الرجال: ۱۸۶).

سه. نظریه توثیق حد اقلی؛ منظور از عبارت مرحوم کشی، اجماع علمای شیعه، بر توثیق روایت اصحاب اجماع از هر کسی می‌باشد که هر حدیثی را نقل نموده‌اند، این نقل درست می‌باشد. منظور از «ما» در یصح، روایت و نقل حدیث است که این توثیق، از باب نمونه؛ نقل محمد بن مسلم از هر کسی که نقل نموده است، درست می‌باشد اما بقیه و سایط تا امام معصوم و نیز احادیث منقول از اصحاب اجماع نیاز بر توثیق و بررسی دارد. نتیجه، تنها توثیق اصحاب

اجماع در نقل حدیث می‌باشد که اصحاب اجماع، به هر طریقی که نقل حدیث نموده‌اند، این نقل صحیح می‌باشد اعم از این که حدیث با سند صحیح یا منقطع و مرسل باشد. نتیجه، این توثیق، حداقلی است.

بنابراین این پژوهش، در چارچوب تک‌نظری نمی‌باشد تا با نگرش توثیق حد میانه یا نظریه توثیق حداکثری بررسی شود بلکه در چارچوب نظری ترکیبی تلفیقی، یعنی با نگرش ترکیبی از هر یکی از نظریه‌های سه‌گانه فوق، توثیق اصحاب اجماع با محوریت جمله مرحوم کشی بررسی می‌شود. البته قبل از نقد و بررسی نظریه‌های سه‌گانه به شرح الحال مختصر اصحاب اجماع پرداخته می‌شود سپس به نقد و بررسی نظریه پرداخته خواهد شد.

۲. اصحاب امام باقر و امام صادق علیهما السلام

مرحوم کشی در باره گروه اول می‌نویسد:

اجتمعت العصابة علی تصدیق هؤلاء الأولین من أصحاب ابي جعفر علیه السلام و ابي عبد الله علیه السلام و انقادوا لهم بالفقه، فقالوا أئمة الأولین ستة: زارة و معروف بن خربوذ و برید و ابو بصیر الأسدی و الفضیل بن یسار و محمد بن مسلم الطائفی، قالوا و أئمة الستة زارة، و قال بعضهم مکان ابي بصیر الأسدی ابو بصیر المرادی و هولیت بن البختری (کشی، رجال الکشی ۱۴۹۰: ۲۳۸)؛ علمای امامیه بر تصدیق این گروه اول: «اصحاب امام باقر و امام صادق علیهما السلام»، اتفاق نظر دارند و به فقاهت‌شان اعتراف کرده و گفته‌اند: فقیه‌ترین شاگردان این دو امام علیهما السلام شش نفر هستند: «زاره بن اعین، معروف بن خربوز مکی، برید بن معاویه عجلی، ابوبصیر اسدی، فضیل بن یسار و محمد بن مسلم طائفی. فقیه‌ترین این شش نفر زاره را گفته‌اند. برخی از علما به جای ابو بصیر اسدی، ابوبصیر مرادی را ذکر کرده‌اند که همان لیث بن بختری می‌باشد.

۲-۱. زاره بن اعین

نام اصلی او عبدربه و مکئی به ابوالحسن و ابوعلی و فرزند اعین بن سُنْسُن شیبانی و از خاندان اصیل و عریق آل اعین است. وی از اعیان فقها، ادبا، متکلمان امامیه و از بزرگان روایان عصر

خود و از مشایخ برجسته و مورد اعتماد محسوب می‌شود که در دیانت، فقاہت، وثاقت، زهد گویا سبقت را از هم‌نوعان ربوده است. چهره ظاهری او نیز به محاسنش افزوده بود: او فردی تنومند و سفید چهره بود که آثار سجود بر پیشانی مبارکش نقش بسته بود (شیبانی کوفی، رساله ابی‌غالب الزاری ۱۴۱۱: ۱۲۸). زراره از یاران مقرب امام باقر و صادق و کاظم علیهم‌السلام بوده است و روایاتی از ائمه هدی علیهم‌السلام در مدح او وارد شده است تعابیر بلندی که در این‌گونه روایات به چشم می‌خورد (مجلسی، بحار ۱۴۰۴: ۴۷/۳۹۰؛ شیخ مفید، اختصاص ۱۴۱۳: ۶۶). بیانگر نقش والایی او در حفظ مواریث و احادیث آل‌علی و انتقال آن به طبقات بعد است. شرح حال نویسان در ستایش وی و بیان مراتب علمی و فضایل او سخن گفته و حدیث‌های آورده‌اند؛ از جمله، علامه حلی در رجال العلامة می‌نویسد: ایشان از بزرگان امامیه در عصر خود بود که بر هم‌نوعان خود تفوق و تقدم داشته است که قاری قرآن، فقیه، متکلم، شاعر و ادیب بوده و خصایص دین، دانش و فضل را در خود جمع داشته است. از موثقان شمرده شده و در آنچه روایت می‌کند، صادق و درست گفتار است (نجاشی، رجال النجاشی ۱۴۰۷: ۱۷۵).

فردی در حضور جمیل بن دراج که از فقها و محدثان نامی شیعه می‌باشد او را در محضرش تعریف و تمجید نموده؛ اما جمیل فرموده: «به‌خداوند سوگند که مثل ما در برابر زراره، مثل کودکان دبستانی در نزد معلم خود بوده.» در کتب رجال و فهرست دو کتاب از آثار مکتوب او ثبت شده است: کتابی در مسأله جبر و استطاعت و کتابی مربوط به عمود. ابوغالب ززاری می‌نویسد: در جدل و مخاصمت در کلام، امتیازی تمام داشت و هیچ کس را قدرت آن نبود که در مناظره، او را مغلوب سازد مگر کثرت عبادت او را از کلام باز می‌داشت (پیشین؛ رساله ابی‌غالب الزاری: ۲۰۸).

جمع کثیری از متکلمان شیعه در زمره شاگردان او هستند. روایت کنندگان او را بالغ بر یکصد تن نوشته‌اند، از جمله: موسی بن بکر واسطی، ابان بن تغلب حریزی، حنان بن سدیر، جمیل بن دراج، هشام بن سالم، ابن بکیر، ابن مسکان، ابو خالد، ثعلبه بن میمون، علی بن عطیه، عمر بن اذینه، محمد بن حمران، حریز، حسن بن موسی. طبق نقل کتاب معجم رجال الحدیث، بیش از دو هزار و نود و چهار روایت از طریق زراره به ما رسیده است (خویی، معجم الرجال بی تا: ۲۴۷/۷).

طبق نقل کتاب مفتاح الکتب الاربعه، روایاتی که به مباشرت از معصوم علیه السلام در کتب اربعه دارد، هزار و دویست و پنجاه و چهار روایت است (موسوی، مفتاح الکتب الاربعه بی، تا: ۳۹۷/۱۵).

۲-۲. محمد بن مسلم ثقفی

از محدثان و فقیهان صاحب نام دوران خود و از راویان مورد اعتماد شیعه است. افقه و اورع و عابدترین مردم زمان خود بود و از معروفترین و مقربترین یاران امام باقر و امام صادق علیهما السلام (رجال کشی: ۱۴۱؛ الاختصاص: ۵۱ و ۲۰۳؛ بحار الانوار: ۴۷/۲۵۱ و ۳۹۴). طبق نقل شیخ طوسی از اصحاب امام کاظم علیه السلام نیز محسوب شده است. وی همچنین مرجع خاص و عام کوفیان بود و بسیار اتفاق می افتاد که پیشوایان عامه نیز از دانش این فقیه پاکسرشت استفاده می کردند. (رجال کشی: ۱۴۶؛ بحار: ۴۱/۴۷ و ۴۱۱). عبدالله بن ابی یعفور «از اصحاب برجسته امام صادق علیه السلام» می گوید: به امام علیه السلام گفتم: چون همیشه توفیق دیدار شما نصیب نمی شود و گاه پاسخی برای سؤال شیعیان ندارم، چه کنم؟ فرمود: چرا از محمد بن مسلم نمی پرسی؟ او روایات فراوانی از پدرم شنیده و نزد وی وجیه و پسندیده بوده است (رجال العلامة: ۷۳؛ قاموس الرجال: ۱/۳۸۰).

محمد بن مسلم می گوید: «از امام باقر علیه السلام سی هزار حدیث و از امام صادق علیه السلام شانزده هزار حدیث شنیدم» (کشی، رجال کشی: ۱۴۰۹: ۱۶۳ ش ۲۷۶). طبق نقل مولف مفتاح الکتب الاربعه، روایات نقل شده توسط زراره به مباشرت معصومان علیهم السلام در کتب اربعه، هزار و سیصد و هفتاد و چهار حدیث است. اخیراً مسند محمد بن مسلم توسط دو تن از فضلا چاپ شده است. همچنین اثر شیخ کاظم جعفر مصباح تحت عنوان ما رواه الحواریون، مسند محمد بن مسلم الثقفی به چاپ رسیده است. امامان معصوم علیهم السلام فضایل بسیاری برای محمد بن مسلم ذکر کرده اند و او را با بهترین واژه ها ستوده اند (برقی، رجال البرقی: ۱۳۸۳: ۹ و ۱۷؛ حسن بن داود حلّی، رجال ابن داود: ۱۳۸۳: ۱۸۴؛ حائری مازندرانی، منتهی المقال: ۱۴۱۶: ۲۹۳ و ۳۲۰؛ حسنی تفرشی، نقد الرجال: ۱۴۱۸: ۳۳۳؛ عاملی بهائی، الوجیزة فی علم الدراية: ۱۳۹۰: ۵۰). علمای بزرگ شیعه نیز به ستایش این بزرگ مرد پرداخته اند. نجاشی او را فقیه پارسا و مایه آبروی شیعه و از موثقترین انسانها دانسته است (رجال کشی: ۱۸۵). کتاب الأربعة مائة مسألة، یادگار مکتوب محمد

بن مسلم است (همان).

۲-۳. فضیل بن یسار

وی از اکابر، اشراف شیعه و ممدوح علمای رجال است. از اصحاب بزرگوار امام باقر و امام صادق علیهما السلام و بسیار موجه و مورد وثوق بوده است. امام صادق او را از اهل بیت و در زمره بهشتیان معرفی کرده است (رجال الکشی: ۱۸۵؛ قاموس الرجال: ۳/۴۳۷). مؤلفان آثار رجالی در کتاب‌های خود از وی بسیار تجلیل و تکریم می‌کنند و او را به علم و تقوا و عبادت و حسن معرفت توصیف می‌نمایند؛ مثلاً: نجاشی (ره) می‌نویسد: «فضیل بن یسار ابوالقاسم تهذبی در زمره ثقات است.» (رجال نجاشی: ۳۰۹). امام صادق علیه السلام آنگاه که او را مشاهده می‌کردند و می‌فرمودند: «خاشعان و عابدان را به بهشت بشارت دهید.» (رجال کشی: ۳/۴۷۳). شیخ مفید در رساله عدویه، ایشان را در شمار فقهای اعلام و پیشوایانی که حلال و حرام و تقوی را رعایت می‌کنند، می‌آورد و می‌افزاید: او از کسانی است که احدی او را طعن و شماتت نکرده است. علامه حلی در رجال العلامة می‌نویسد: «او عربی خالص، بصری، ثقه، عین، جلیل‌القدر است.» (علامه حلی، رجال العلامة: ۲۲۸). در معجم رجال‌الحديث آمده است: «در اسناد روایات فراوان واقع شده که بالغ بر دویست و پنجاه و چهار مورد است.» (معجم رجال‌الحديث: ۱۳/۳۳۷). تفسیری نیز به او منسوب است. با آنکه منابع موجود رحلت او را در زمان حیات امام صادق علیه السلام ذکر کرده‌اند، اما ابن‌شعبه حرانی در تحف العقول حدیثی از او نقل کرده که از امام رضا علیه السلام روایت کرده است (رجال النجاشی: ۳۰۹؛ رجال الطوسی: ۱۴۳ و ۲۹۶). قاسم (رجال النجاشی: ۳۱۲ و ۳۶۲) و علاء (همان: ۲۹۸؛ رجال الطوسی: ۲۴۰). فرزندان او و نواده‌اش محمد بن قاسم از اجلا و ثقات اصحابند (رجال النجاشی: ۳۶۲؛ رجال الطوسی: ۳۹۱).

۲-۴. برید بن معاویه عجلی

از خواص اصحاب صادقین (ع) است که در بین یاران این دو امام موقعیتی برتر داشته است. پیشوایان دین این راوی بزرگ را در سخنان خود ستوده‌اند. دانشمندان رجالی نیز در آثار خود او را بسیار تکریم کرده و به صدق، امانت، ورع و دیانت ستوده‌اند. برای مثال دو نمونه از این

سخنان را نقل می‌کنیم: مرحوم کَشّی می‌نویسد: «جمیع علمای شیعه او را به عدالت و صحت گفتار تصدیق کرده‌اند و به فقاهت وی معترفند» (اختیار معرفة الرجال: ۲۳۸ و ش ۴۳۱). محدث قمی از او این‌گونه یاد کرده است: در نزد ائمه علیهم‌السلام دارای مکانتی عظیم است. حضرت صادق علیه‌السلام فرمود: او تاد زمین و اعلام دین چهار نفرند: محمد بن مسلم، برید بن معاویه، لیث بن یختری مرادی و زرارة بن اعین. و هم در حدیثی در حق ایشان فرموده است: این چهار تن امنای الهی در حلال و حرام خدایند؛ اگر ایشان نبودند، آثار نبوت منقطع و مندرس می‌گشت (معجم رجال الحدیث: ۴/ ۱۹۵-۱۹۷)

۲-۵. ابوبصیر: یحیی بن القاسم اسدی

مورد وثوق و از مشاهیر اصحاب و یاران امام باقر و امام صادق علیهم‌السلام و راوی روایات آن دو بزرگوار است. وی به جز امام معصوم از ابوحمزه ثمالی و صالح بن میثم نیز روایت می‌کند. صاحب معجم رجال الحدیث می‌نویسد: «در سلسله اسناد روایات بیش از دوهزار و دویست و هفتاد و پنج مورد با عنوان ابوبصیر قرار گرفته است.» (رجال النجاشی: ۱۱۲؛ رجال الطوسی: ۱۲۸). راویان از ابوبصیر در کوفه بسیارند و از آن جمله از ابان بن عثمان احمر، عاصم بن حمید حناط، حسین بن ابی العلاء و عبدالله بن حماد انصاری. او با آنکه نابینا بود ولی بصیرتش او را داشت تا در مقابل فطحیه موضع بگیرد و پایه‌های عقیدتی آنان در زمینه امامت را مورد حمله قرار دهد. همین موضعگیری بحق بود که به وجاهت او نزد شیعیان امام کاظم علیه‌السلام افزود. از آثار اوست: مناسک حج، یوم و لیلۃ و تفسیر (آقابزرگ الطهرانی، الذریعة الی تصانیق الشیعة بی‌تا: ۴/ ۲۵۱). از آنجا که ابوبصیر کنیه پنج تن بوده که برخی از آنان مسلماً ثقه‌اند، بزرگان ما کتاب‌های مستقلی تحت عنوان ابابصیر نوشته‌اند. مرحوم خویی با بیان قرینه گفته است که هر جا ابوبصیر به طور مطلق آورده شود مراد یحیی بن قاسم ثقه است (معجم الرجال: ۲۱/ ۴۴).

۲-۶. ابوبصیر مرادی

از راویان بزرگ و عالیقدر شیعه و نامش لیث بن یختر مرادی است. از خواص حضرت باقر و امام صادق علیهم‌السلام است. شخصیتی است که محمد بن مسلم با همه عظمت در راه مکه به اتفاق

جمعی از یاران به او اقتدا کرد و نماز را به امامت او به جای آورد (حرعاملی، وسایل الشیعة: ۴/ ۹۷۳) کَشّی وی را در عدد اصحاب اجماع برشمرده است. او کتابی داشته است که جمعی از راویان آن را روایت می‌کنند. گرچه برخی چون ابن‌غضائری و نجاشی مذهب او را مستقیم ندانسته‌اند اما به دلیل وثاقت او اعتبار روایتی او مورد طعن نیست. راویان بسیاری از او روایت می‌کنند، از آن جمله‌اند: ابوجمیلہ مُفصل بن صالح اسدی، عبدالله بن مسکان، عبدالله بن بکیر و عبدالکریم بن عمرو خثعمی. او قبل از سال ۱۸۳ هـ زنده بوده است (رجال البرقی: ۱۲ و ۱۸؛ رجال ابن داود: ۱۵۷ و ۲۱۴؛ رجال الطوسی: ۱۴۴ و ۲۷۵).

۷-۲. معروف بن خربوذ

مرحوم کَشّی در رجال خود او را از اصحاب اجماع، از فقهای برجسته شیعه و در ردیف محمد بن مسلم و زرارة بن اعین دانسته است (رجال الکشی: ۲۳۸). معروف به یاران امام سجاد، امام باقر و امام صادق علیهم‌السلام بوده است (رجال الطوسی: ۱۲۰ و ۱۴۵ و ۳۱۱)، و سجده‌های طولانی او ضرب المثل بوده است (وسائل الشیعة: ۴/ ۹۸۰) و شیخ کَشّی و دیگران روایاتی راجع به او در این باره نقل کرده‌اند. وی از بشیر بن تیم صحابی، ابی الطفیل و حکم بن مستور نیز روایت کرده است و حنان بن سدیر و عبدالله بن سنان و جمعی دیگر از او روایت می‌کنند (قمی، سفیة البحار: ۱۳۵۲: ۲۱۲). طبق نقل مؤلف مفتاح الکتب الأربعة روایاتی که به مباشرت از معصومان علیهم‌السلام در کتب اربعه دارد حدیث است (اصفهانی، مفتاح الکتب الأربعة بی تا: ۳۹۶/۲۳)

علامه جلیل سید شرف‌الدین موسوی در المراجعات می‌نویسد: ذهبی در میزان الاعتدال نام وی را آورده و او را به راستگویی و تشیع توصیف نموده است و با گذاردن نام رمز بخاری، مسلم و ابو داود در کنار نام او به این نکته اشاره کرده است که احادیث وی را نگاشته‌اند. همچنین گفته: از ابوظفیل روایت نقل می‌کند و نیز گفته است: قلیل الحدیث است. ابو عاصم، ابوداود، عبیدالله بن مومنی و دیگران از او حدیث نقل کرده‌اند و از ابوحاتم نقل کرده که احادیث او باید نوشته شود (یعنی صحیح و قابل استناد است). من می‌گویم: ابن خلکان در وفیات الاعیان وی را ذکر نموده و گفته است. او از موالیان و دوستان علی بن موسی الرضا علیه‌السلام است.

پس از آن در تمجید و ستودن او عنان قلم را رها ساخته و از او حکایتی نقل کرده است که در ضمن آن آمده است: من به خدا روی آوردم و آنچه را داشتم در راه خدمت به مولایم علی بن موسی الرضا علیه السلام رها ساختم. ابن قتیبة هنگامی که در کتاب معارف، رجال شیعه را می‌شمارد، معروف را از آن به شما می‌آورد. مسلم به احادیث معروف استدلال می‌کند. احادیث او در قسمت حج کتاب صحیح که از ابوظفیل نقل نموده موجود است (شرف‌الدین، المراجعات: ۱۷۸؛ معجم الرجال: ۱۹: ۲۴۹-۲۵۱).

۳. تنها اصحاب امام صادق علیه السلام

در گروه دوم که تنها از اصحاب امام صادق علیه السلام هستند می‌گوید: «اجتمعت العصابة علی تصدیق هؤلاء...» امامیه بر صحیح شمردن روایاتی که سندش تا این گروه صحیح باشند، اجماع کرده بر تصدیق و تصحیح این گروه در آنچه می‌گویند و در فقاہت شان، اینان غیر شش فقیهی هستند که نامشان را در گذشته ذکر کردیم این شش نفر عبارتند از: جمیل بن درّاج، عبد الله بن مسکان، عبد الله بن بکیر، حماد بن عثمان، حماد بن عیسی و ابان بن عثمان» (کشی، رجال الکشی: ۱۴۹۰: ۲۳۸).

۳-۱. جمیل بن درّاج کوفی

جمیل از راویان و محدّثان شیعه است که از اصحاب اجماع؛ بلکه افقه اصحاب امام صادق علیه السلام به شمار آمده است (رجال الکشی: ۳۷۵)، و از یاران امام موسی کاظم علیه السلام نیز بوده است (همان: ۱۷۶؛ رجال النجاشی: ۱۲۶؛ رجال العلامة: ۲۰۹). مرحوم خویی روایاتی را که وی از امام باقر، امام صادق و امام موسی، رضی علیهم السلام نقل کرده است، به ۲۳۹ مورد می‌رساند (معجم الرجال: ۱۲۵/۵). وی از کسانی هم چون: ابوبصیر، ابان بن تغلب، زراره، محمد بن مسلم، فضیل بن یسار روایت می‌کند و راویان او نیز بسیارند؛ محدّثانی از باب نمونه: ابن ابی عمیر، حسن بن محبوب، صالح بن عقبه، ابومالک حضرمی، صفوان بن یحیی، حماد بن عثمان (همان). وی، دانشمند فروتنی بوده که این حقیقت، از گفتگوی ابن ابی عمیر با او معلوم می‌گردد. ابن ابی عمیر می‌گوید: به جمیل گفتم: محضر درس تو چه باشکوه برقرار است! گفت: آری؛ به خدا سوگند،

ما نزد زرارة بن اعین، جز به منزله کودکان مکتبی که اطراف معلّمشان باشند، نبودیم (رجال الکشی: ۱۳۴ و ۱۵۴). جمیل، در میدان عبادت و تقوا نیز مقامی منیع داشته و سجده‌های طولانی او زبانه‌زد خاص و عام بوده (همان: ۲۱۱ و ۲۵۵). و در علوم زمان خود، تبخّر و نزد محدّثان، منزلتی رفیع داشته است. وی با این که از نظر مالی وضع چندان خوبی نداشت، از هم‌کاری با جائزان سخت پرهیز می‌کرد (الطوسی، الفهرست: ۹۴؛ رجال العلامة: ۹۲). کتابی را با همکاری محمد بن حمران تألیف کرده که حسن بن علی بن بنت الیاس آن را روایت کرده است (رجال النجاشی: ۱۲۶). کتاب دیگری را هم با مشارکت مرازم بن حکیم تدوین کرده که حسین بن عبیدالله آن را روایت کرده است (همان: ۱۲۶). ایشان، در پایان عمر با برکت خود، نابینا شد و در زمان حضرت رضا علیه السلام رحلت کرد (رجال العلامة: ۲۴ و ۳۱). و در طارمیه، کنار دجله، مدفون شد (تقیح المقال: ۲/۲۳۲).

نجاشی او را این گونه ستوده است: «شیخنا و وجه الطائفة، ثقة، روی عن ابي عبدالله وأبي الحسن علیهما السلام»؛ (رجال النجاشی: ۱۲۶). شیخ طوسی، درباره وی می‌گوید: «له أصل و هو ثقة» (الفهرست: ۹۴). کشتی، او را از اصحاب اجماع دانسته و روایاتی در مدح و منزلت والا و وثاقتش نقل کرده است (رجال الکشی: ۳۷۵).

۳-۲. ابان بن عثمان احمر بجليّ

فقیه، ادیب، نسابه و مورخی آشنا به اخبار شعرا و ایام عرب و از اصحاب و شاگردان امامان صادق و کاظم علیهما السلام بوده و از آن دو امام همام، روایت نقل نمود است (رجال النجاشی: ۱۳؛ الفهرست: ۵۹؛ رجال الطوسی: ۱۶۴). کشتی، او را فقیه و از اصحاب اجماع می‌داند (رجال الکشی: ۳۷۵). محمد بن ابی عمیر می‌گوید: ابان از همه انسان‌ها بیشتر حافظ حدیث بوده است (ابن حجر، لسان المیزان ۱۳۹۰: ۲۴/۱). حافظه این محقق، چنان قوی بوده است که برای حفظ هر کتابی، يك بار مطالعه آن برایش کافی بوده و پس از آن، کلّ کتاب را بدون يك حرف پس و پیش، تکرار می‌کرده است. شماری از مشایخ او عبارتند از: زرارة بن اعین، اسحاق بن عمّار، ابان بن تغلب، معاویة بن عمّار، ابوبصیر، فضیل بن یسار، بشیر نبال، زید شحّام،

صفوان بن مهران جمّال و محمد بن مسلم. بزرگانی چون: ابن ابی عمیر و بزنی، و از بصریان: ابو عبیده معمر بن مثنی، ابو عبدالله بن مثنی و ابو عبدالله محمد بن سلام عجمی نیز از او اخذ روایت کرده‌اند. افزون بر روایات بسیار و پراکنده ابان بن عثمان در کتب حدیث امامیه، آثاری را نیز از وی نام می‌برند که از این قرارند: «المبتدأ، المبعث، المغازی، الوفاة، السقیفة والرّدة» وی این شش کتاب را در یک جلد گرد آورده (الفهرست: ۵۹؛ رجال النجاشی: ۱۳)؛ ولی متأسفانه جملگی از میان رفته است. اخیراً پراکنده‌های کتاب‌های: المبعث، المغازی، الوفاة، السقیفة والرّدة، به کوشش آقای رسول جعفریان، از نصوص مختلف استخراج و توسط دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم منتشر شده است.

برخی چون ابن فضّال فطحی مذهب، نسبت ناروایی به این راوی داده و او را از ناووسیه دانسته‌اند (الصدر، نهاية الدراية بی تا: ۴۰۷). این اتهام، برای نخستین بار در کتاب «رجال الکشی» مطرح گردید (رجال الکشی: ۳۵۲) و از آنجا به برخی از کتاب‌ها راه یافت؛ اما با مراجعه به مجامع روایی، درمی‌یابیم که او از امام موسی بن جعفر علیه السلام روایت نقل کرده و نیز روایاتی نقل می‌کند که امامان معصوم را دوازده تن معرفی کرده است (معجم رجال الحدیث: ۱/ ۱۷۴)، این نقل حدیث که حاکی از باور اوست با ناووسی بودن او سازگاری ندارد. (الامین، اعیان الشیعة بی تا: ۲/ ۱۰۰؛ الابطحی، تهذیب المقال ۱۴۱۷: ۲۱۹).

۳-۳. عبدالله بن بکیر بن اعین شیبانی

ایشان، یکی از ستارگان درخشان خاندان عریق و اصیل «آل اعین» است که به فقه و وثاقتش اعتراف شده و او را از اصحاب اجماع می‌دانند (رجال الکشی: ۲۴۵ و ۳۷۵). وی، فطحی مذهب است؛ اما در وثاقت او تردیدی نشده است (شیخ طوسی، الفهرست: ۱۷۳؛ رجال العلامة: ۱۹۵). علامه حلّی می‌گوید: من به روایت‌های او (عبدالله بن بکیر) اعتماد می‌کنم؛ اگرچه فاسد المذهب است (علامه حلّی، رجال العلامة: ۱۹۵)، برخی از فقها، چون شهید ثانی و محقق حلّی، روایت‌های او را به دلیل فطحی بودن وی نپذیرفته‌اند (شهید ثانی، مسالک الافهام ۱۴۱۳: ۱/ ۲۳؛ محقق حلّی، المعتمد ۱۴۰۷: ۶۰ و ۱۵۶). عبدالله بن بکیر بن اعین، کثیر الحدیث و کثیر الروایه بوده است. شیخ

طوسی و نجاشی برای او کتابی ذکر کرده‌اند (الفهرست: ۱۷۴؛ رجال النجاشی: ۲۲۲)؛ ابن ندیم می‌نویسد که وی کتابی در اصول داشته است (رجال النجاشی: ۲۲۲؛ الفهرست: ۳۳۱). ابن عقده، مسند عبدالله بن بکیر را نوشته است (رسالة ابی غالب: ۲۱۵). شیخ مفید، او را از فقهای بزرگی می‌داند که حلال و حرام الهی، فتاوا و احکام از آن‌ها اخذ می‌شود و موردی برای طعن و ذمّشان نیست (شیخ مفید، جوابات اهل موصل فی العدد و الرؤیة ۱۴۱۴: ۲۵ و ۳۷). مشایخ وی، بزرگانی هستند چون: پدرش «بکیر بن اعین»، عمویش «زرارة بن اعین»، حمزة بن حرمان، حرمان بن اعین، عبید بن زرارة، حفص بن ابی عیسی و جمع کثیری نیز از وی روایت می‌کنند که از آن جمله‌اند: ابن ابی عمیر، صفوان بن یحیی، حسن بن محبوب (معجم رجال الحدیث: ۱۳۳/۱۱).

۳-۴. عبدالله بن مسکان

ابو محمد عبدالله بن مسکان از راویان بزرگ و محدّثان عالی قدر و مورد وثوق و از اجله اصحاب حضرت صادق و امام موسی بن جعفر علیه السلام است (رجال الکشی: ۳۷۵)، با این‌که وی از راویان پرکار امام صادق علیه السلام است، به‌طور مستقیم، جز بیست روایت از او نقل نکرده است و بیشتر احادیث را از طریق اصحاب و یاران امام صادق علیه السلام نقل می‌کند. در علّت این امر نوشته‌اند که او از ترس آن‌که نتواند حقّ احترام آن حضرت را به‌جا آورد، شخصا به خدمت حضرتش نمی‌رسید؛ بلکه سوالات مردم را از طریق دوستان خود به خدمت حضرت می‌فرستاد تا پاسخ بگیرند و پس از مراجعت یاران خود، احادیث آنان را اخذ و یادداشت می‌نمود (همان: ۳۸۲). راوی‌شناس معروف، نجاشی، او را ثقه و عین معرفی کرده است (رجال النجاشی: ۲۱۴)، و علامه حلّی نیز او را به‌همین نحو ستوده است (رجال العلامة: ۱۹۴). شیخ مفید در «رساله عددیة» خود، ایشان را از فقهای اصحاب صادقین علیهم السلام و رؤسای شیعه که صاحب فتوا در احکام الهی هستند، معرفی کرده و افزوده که موردی برای ظن و ذمّ او وجود ندارد (معجم رجال الحدیث: ۳۴۸/۱۱). محدّث قمی درباره وی می‌نویسد: از اصحاب جلیل‌القدر حضرت امام صادق علیه السلام به‌شمار می‌رفت. وی یکی از آن اشخاصی محسوب می‌شود که گروه شیعه بر تصحیح آنچه که از او روایت شده باشد، اجماع و اتفاق دارند (قمی، الکنی و الالقاب بی تا: ۳۹۵). نام شریفش

در ۱۲۵۲ مورد از اسناد روایات واقع شده است و راویان بسیاری از او اخذ حدیث کرده‌اند، از جمله: محمد بن ابی عمیر، صفوان بن یحیی و محمد بن سنان (معجم رجال الحدیث: ۳۵۲/۱۱). ابن مسکان، نگاشته‌های چندی داشته، از جمله کتابی در «امامت» و کتابی در «حلال و حرام» (رجال النجاشی: ۲۱۴). وی تا قبل از سال ۲۰۳ قمری، در قید حیات بوده است (رجال الطوسی: ۲۶۴؛ رجال ابن داود: ۱۲۴؛ بحار: ۳۹۴/۴۷).

۳-۵. حمّاد بن عیسی بن عبیده کوفی بصری

ابو محمد جهنی، از اصحاب امامان صادق، کاظم، رضا و جواد علیهم‌السلام است، به تصدیق علمای رجال، او از این بزرگواران جز در مواردی محدود، نقل روایت ندارد. در این مورد، نجاشی می‌نویسد: از حمّاد، روایتی از امام رضا و امام جواد علیهم‌السلام به ثبت نرسیده است (رجال النجاشی: ۱۴۲). در مورد امام صادق علیه‌السلام نیز با آن‌که حمّاد معاصر آن حضرت بوده، ولی بیشتر روایات خود را با واسطه عبدالله بن مغیره و عبدالله بن سنان از آن بزرگوار نقل کرده است (همان)، حمّاد خود می‌گوید: من و عبّاد بن صهیب بصری، دو یست حدیث از ابو عبدالله صادق علیه‌السلام شنیدیم. عبّاد همه را به خاطر سپرد و برای دیگران بازگو می‌کرد؛ اما من تنها هفتاد حدیث را به خاطر سپردم؛ لکن بعدها نسبت به پنجاه حدیث آن دچار تردید و شک شدم و هم اینک به نقل بیست حدیث که به صحّت آن از امام صادق علیه‌السلام اطمینان دارم، بسنده می‌کنم (رجال الکشی: ۳۱۶). بنابراین، ایشان در نقل روایت و انتساب آن به اهل بیت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بسیار محتاط و دقیق بوده است. برخی بر صحیحیته بیانیه حمّاد که در بحث نماز معروف است، مناقشه ای وارد کرده (شیخ صدوق، من لایحضر الفقیه ۱۴۱۳: ۱/۲۹۸؛ شیخ طوسی، تهذیب الاحکام ۱۳۶۵: ۲/۷۷)، که بزرگانی چون سبحانی و عرفانیان به آن پاسخ داده‌اند (ابن سعد حلی، جامع الشرایع ۱۴۰۵: ۱۶).

می‌گویند امام موسی بن جعفر علیه‌السلام در حقّ حمّاد دعا کرد و به برکت آن، وی پنجاه سفر حج به جا آورد (بحار: ۱۶۷/۴۶). شیخ طوسی، حمّاد را ثقه می‌داند و سه کتاب «النوادر، الزکاة، الصلاة» از وی نام می‌برد (الفهرست: ۱۱۵). نجاشی، رجالی معروف سده پنجم، درباره او می‌نویسد: «وکان ثقة فی حدیثه صدوقاً» (رجال النجاشی: ۱۴۲). علامه شهیر سید عبدالحسین

شرف الدین عاملی می نویسد: ابو علی در کتاب خود «منتهی المقال» از او یاد کرده است و حسن بن علی بن داوود در کتاب «مختصر» - که به شرح حال رجال اختصاص دارد - به شرح حال او پرداخته است. همه نویسندگان فهرست ها و معاجم رجالی، وی را از علمای شیعه خوانده اند و از ثقات و افراد متقن و از اصحاب ائمه هدی علیهم السلام بر شمرده اند... ذهبی در کتابش (میزان الاعتدال)، نام وی را ذکر کرده و علامت «ت ق» را - که اشاره به افرادی از نویسندگان سنن است که احادیث وی را نقل کرده اند - کنار اسم او قرار داده و گفته است که وی در سال ۲۰۸ غرق گردید و از امام صادق علیه السلام روایت نقل می کند. آنگاه به او حمله کرده، مطالب ناجوری به او نسبت داده است؛ گو اینکه هر کس به خاطر تشیّعش او را ضعیف شمرده، به او حمله کرده است. و تعجب از «دارقطنی» است که او را ضعیف می شمارد؛ ولی خودش به احادیث او استدلال می کند. و كذلك يفعلون: آری، شیوه آنها چنین است (المراجعات: ۱۲۲ و ۱۲۳).

محدّث قمی می نویسد: حمّاد بن عیسی از اصحاب اجماع است و زمان چهار امام معصوم را درک کرده... و در حدیث، محتاط بوده و او تألیفاتی داشته است از جمله کتاب های: «الصلاة، الزکاة، النوادر، و منافع الأعضاء»، که دانشمندان شیعه آن ها را به اسناد متصل از او نقل می کنند (رجال النجاشی: ۱۴۲؛ الفهرست: ۱۱۵). نام شریف این راوی بزرگوار، در اسناد ۱۰۳۶ روایت وارد شده است (مکی، بحوث فی علم الرجال ۱۴۱۴: ۱۰۵)، روایاتی که به مباشرت از امام علیه السلام از او در کتب اربعه ثبت شده است، براساس نقل «مفتاح الکتب الأربعة»، ۴۹ حدیث است (مفتاح الکرامه: ۳۰۲/۱۰).

۳-۶. حمّاد بن عثمان

راوی وجیه و مورد وثوقی است که بزرگان علم رجال به فقیه بودن و صحّت حدیث او اقرار دارند و جلالت قدر و قداست نفسش را ستوده اند (رجال النجاشی: ۱۴۳). وی از امام رضا علیه السلام روایت می کند (الفهرست: ۱۴۳). نام شریفش، ۷۳۴ بار در اسناد روایات وارد شده است و بیش از پنجاه راوی از او روایت می کنند، از جمله: محمد بن ولید خزاز، حسن بن علی فضّال و عبدالرحمان اصم. حمّاد، کتابی نیز داشته است که راوی نامور، حسن بن علی بن فضّال، از وی روایت

می‌کند (همان: ۱۱۵). برقی در رجال خود گوید: حمّاد بن عثمان ناب دارای قصیده‌ای است که حکایت‌گر مرگ اوست. برادران او، جعفر و حسین نیز فاضل و ثقه‌اند. صاحب «التحریر الطاووسی» در باره حمّاد و برادرش حسین گوید: فاضلان، خیران، ثقتان (شیخ حسن، التحریر الطاووسی: ۱۴۱: ۸۳).

۴. اصحاب امام کاظم و امام رضا علیهما السلام

در باره گروه سوم که از اصحاب امام کاظم و امام رضا علیهما السلام هستند چنین می‌گوید: «أجمع أصحابنا علی تصحیح ما یصح عن هؤلاء و تصدیقهم...»؛ طائفه امامیه در صحت روایتی که به‌سند صحیح به این گروه برسد، هم‌چنین نسبت به تصدیق این گروه اجماع دارند و فقاقت و علم آنان اعتراف کرده‌اند. این شش فقیه، غیر از فقهای هستند که در اصحاب امام صادق علیه السلام از آنها یاد کردیم. گروه سوم عبارتند از: صفوان بن یحیی، عبد الله بن مغیره، حسن بن محبوب، احمد بن محمد بن ابی نصر بزندی، یونس بن عبد الرحمان، محمد بن ابی عمیر. بعضی از امامیه به جای «حسن بن محبوب»، «حسن بن علی بن فضال»، «فضاله بن ایوب را» و برخ دیگر به جای «حسن بن علی بن فضال» «عثمان بن عیسی»، را ذکر کرده‌اند. فقیه‌ترین این گروه «یونس بن عبد الرحمان» و «صفوان بن یحیی» می‌باشد (کشی، رجال الکشی: ۱۴۹۰: ۲۳۸).

۴-۱. صفوان بن یحیی کوفی

کنیه این راوی ثقه و جلیل‌القدر، ابو محمد بیاع السابری است (رجال الکشی: ۱۹۴؛ الفهرست: ۱۴۵؛ رجال الطوسی: ۳۵۹). وی از اصحاب و یاران امامان کاظم، رضا و جواد علیهم السلام شمرده شده است (رجال الطوسی: ۳۳۸). او هم‌چنین وکیل امام علی بن موسی الرضا علیه السلام و امام جواد علیه السلام در کوفه بود (شیخ طوسی، الفهرست: ۱۴۶). و مسئولیت هدایت شیعیان را در کوفه به‌عهده داشته و از امامان رضا و جواد علیهم السلام و حدود چهل تن از اصحاب امام صادق علیه السلام نیز روایت کرده است (نجاشی، رجال النجاشی: ۱۹۶). شیخ طوسی می‌گوید: صفوان موثق‌ترین فرد زمان خود در نزد اصحاب حدیث و عابدترین‌شان بوده است؛ در شبانه‌وروز، پنجاه رکعت نماز می‌خواند و در هر سال، سه ماه روزه می‌گرفت و سه نوبت زکات مالش را خارج می‌کرد. از

مطلبی که نقل می‌شود، معلوم می‌گردد که صفوان مورد اعتماد کامل حضرت رضا علیه السلام بوده و حضرت، وی را شخصی عادل می‌دانسته است: «یکی از اهالی بغداد به نام محمد بن عیسی بن عبید بن یقظین می‌گوید: حضرت رضا علیه السلام به من فرمان داد زنی را طلاق گویم و صفوان بن یحیی را بر آن شاهد بگیرم» (الفهرست: ۱۴۵). در زهد و وارستگی صفوان، همین بس که گروهی از واقفیان از راه تطمیع وارد شدند و پول هنگفتی را به او پیشنهاد دادند تا او را به سوی واقفیه بکشانند؛ ولی او دست رد به سینه نامحرمان زد. امام رضا علیه السلام در این باره فرموده است: صفوان، هیچ‌گاه جاه طلب نبوده و ریاست را دوست نداشته است. از صفات دیگر وی، شدت ورع او بود که زندگی خود را بر آن بنیان نهاده بود. نقل است که فردی در هنگام سفر، دو دینار به او داد و از او درخواست نمود تا در کوفه به خانواده‌اش برساند؛ وی گفت: شترم کرایه‌ای است؛ در این مورد، از صاحبش اجازه می‌گیرم (رجال النجاشی: ۱۹۷). اسامی مشایخ او را در کتب اربعه شیعه، بالغ بر ۲۴۰ نفر و در کلیه منابع، بالغ بر ۲۲۲ نفر دانسته‌اند (عرفانیان، مشایخ الثقات: ۱۴۱۷: ۲۴۳).

علمای شیعه، احادیث مرسله وی را در حکم مسانید دانسته‌اند و به روایاتی که از او بیان ضعیفی چون علی بن ابی حمزه بطنانی و یونس بن ظبیان و ابی جمیله نقل کرده نیز به دیده اعتبار می‌نگرند. روایانی که از جناب ایشان روایت کرده‌اند، بالغ بر شصت نفرند؛ افرادی مانند: اسماعیل بن مهران، فضل بن شادان، حسن بن علی و شاء، ایوب بن نوح بن دراج، ایوب بن عطیة، سعد بن سعد، محمد بن خالد برقی، جعفر بن عبداللّه، حسین بن سعید بن حماد بن مهران اهوازی، یعقوب بن یزید. تعداد تألیفات صفوان را سی کتاب و رساله نوشته‌اند که از باب نمونه عبارت‌اند از: «الآداب، التجارات، الفرائض، الصلاة، الصوم، الحج» (الفهرست: ۱۶۴). شیخ طوسی به نقل از ابن ندیم، «تجارت» و «شراء» را دو تا می‌داند. کشتی در رجال خود می‌نویسد: حضرت رضا علیه السلام فرمود: خداوند رحمت کند صفوان را! این دو تن [اسماعیل بن خطّاب و صفوان بن یحیی] از حزب پدرم بودند و هر کس به حزب ما پیوندد، خداوند او را داخل بهشت خواهد نمود. سپس کشتی می‌گوید: صفوان بن یحیی در سال ۲۱۰ق، در شهر مدینه از دنیا رفت. امام جواد علیه السلام حنوط و کفن خود را برای وی فرستاد و به اسماعیل بن موسی

بازشناسی توثیق اصحاب اجماع □ ۶۳

بن جعفر علیه السلام فرمان داد تا بر او نماز بخوانند (رجال الکشی: ۵۰۲). مدفن او مدینه است. طبق نقلی، امام جواد علیه السلام از او به نیکی یاد کرده و از او اظهار رضایت کرده و فرموده: او هیچ گاه با من در امری مخالفت نکرد (التحریر الطاوسی: ۱۵۲؛ معجم رجال الحدیث: ۱۰/۱۳۴-۱۴۹).

۲-۴. عبدالله بن مغیره

عبدالله، مکتبی به ابومحمد، از اصحاب امام موسی کاظم و امام رضا علیه السلام و از فقهای بزرگ و پارسا و پرهیزگار و از راویان بسیار موثق است که در میان معاصران خود، از نظر دیانت و پروا پیشگی، کم نظیر است. در کتاب‌های رجالی به وثاقت او تصریح شده است. نجاشی می‌گوید: «ثقة ثقة، لا يعدل به أحد من جلالته ودینه و ورعه» (رجال النجاشی: ۲۱۵). وی نخست از واقفیه بود؛ سپس مستبصر شد و امامت امام رضا علیه السلام را پذیرفت. خود او داستان هدایت یافتن خود را بیان کرده که در کتب رجالی مذکور است (قاموس الرجال: ۳۱/۶ و ۱۵۳).

۳-۴. حسن بن محبوب

حسن بن محبوب بن وهب بجلی، معروف به سَرّاد «زره‌ساز» و یا زَرّاد و مکتبی به ابوعلی، از روات و محدّثان نامی و فقهای امامی کوفه و از مشایخ عظیم الشان و جلیل القدر است که کلیه دانشمندان رجال به وثاقت او شهادت داده‌اند. شیخ طوسی، ابن محبوب را در زمره یاران امامان موسی بن جعفر و علی بن موسی علیه السلام ذکر کرده و به توثیق او پرداخته است (رجال الطوسی: ۳۳۴). ابن محبوب از امام رضا علیه السلام و شصت نفر از اصحاب امام صادق علیه السلام روایت نقل می‌کند و از ارکان اربعه عصر خود بوده است (الفهرست: ۱۹۶). وی علاوه بر این شصت نفر، مشایخ دیگری هم داشته است. در ذیل با نام برخی از آنها آشنا می‌شویم: ابان بن تغلب، ابان بن عثمان، ابن ابی عمیر، احمد بن ابی نصر بزظی، اسحاق بن حریر، اسحاق بن عمار، اسحاق بن غالب، ثابت بن دینار «ابوحمزه ثمالی»، جمیل بن درّاج، جمیل بن صالح. نام شریفش، بیش از ۳۰۶۸ بار در اسناد روایات وارد شده است. علامه حلّی در باره وی، تعبیر «ثقه» و «عین» به کار می‌برد (رجال العلامة: ۹۶). ابن داوود حلّی می‌گوید: او مورد اطمینان و جلیل القدر است و از ارکان چهارگانه عصر خویش به شمار می‌رود. تمام فقها بر این نکته اتفاق نظر دارند که هرچه

او روایت کند، صحیح است (رجال ابن داود: ۱۱۵).

روایت کنندگان از ایشان، بالغ بر صد نفرند؛ بزرگانی چون: ابراهیم بن هاشم قمی، ابراهیم بن حسن، ابراهیم بن سلیمان، احمد بن محمد، احمد بن حسین، حسین بن سعید اهوازی، احمد بن ابی عبدالله برقی و عبدالعظیم حسنی. روایت شده که پدرش محبوب، آنچنان در تربیت فرزند خود اهتمام داشت که با وی شرط کرده بود که در مقابل هر حدیثی که از ثقه بزرگوار، علی بن رئاب کوفی، استماع کند و بنویسد، یک درهم پاداش خواهد گرفت (اعیان الشیعة: ۲۳۳/۵؛ رجال الطوسی: ۱۹۳-۳۷۲). این راوی جلیل القدر، آثار فراوانی داشته است؛ از جمله کتاب‌های وی عبارت است از: «المشیخة» فصل‌بندی شد که کار مراجعه را برای محدثان و محققان، آسان‌تر می‌کرد. یک بار دیگر هم مشیخه ابن محبوب دسته‌بندی شد، منتها به‌گونه کتاب‌های فقهی؛ یعنی از کتاب طهارت آغاز شد و به کتاب نوادر خاتمه یافت (رجال النجاشی: ۸۰). ابن محبوب در سن هفتاد و پنج سالگی در ۲۲۴ق، رحلت کرد (التحریر الطاووسی: ۷۴؛ رجال البرقی: ۴۸).

۴-۴. احمد بن محمد بن ابی نصر بزنطی

فقیه و راوی ثقه‌ای است که نخست مذهب واقفیان را داشته، سپس با دیدن معجزاتی از امام رضا علیه السلام مستبصر شده است. وی در نزد حضرت رضا علیه السلام مرتبه و منزلتی والا یافت، به حدی که شبی از شب‌ها که در معیت صفوان بن یحیی و محمد بن سنان و عبدالله بن مغیره یا عبدالله بن جندب به حضور با برکت آقا علی بن موسی الرضا علیه السلام رسیده بودند، در موقع بازگشت، حضرت از او خواست که بماند و او آن شب در خانه حضرت ماند؛ پس از صرف شام و گفتگوی علمی، حضرت بستر پهن کردند و او در بستر امام استراحت کرد (قاموس الرجال: ۱/۲۷۴). استاد کاظم در مورد معروف بودن ابی نصر به «بزنطی» می‌گوید: بزنطی، منسوب به «بیزانطیه» [بیزانس] است که نام یکی از مستعمرات یونانی بوده است که توسط «قسطنطین کبیر» [کنستانتین اول] در سده هفتم قبل از میلاد، تجدید بنا شد و پایتخت امپراطوری روم شرقی (دولت بیزانس) قرار گرفت و به همین مناسبت، بعداً نام قسطنطنیه بر آن گذارده شد «منجد

الأعلام». بعید نیست خود یا پدران بزنی در جنگ‌های بین مسلمین و روم شرقی، اسیر و به‌دیار اسلامی منتقل شده باشند، یا به‌خواستہ خویش به‌بلاد بین‌النهرین هجرت نموده و در کوفه سکونت اختیار کرده باشند. احتمال اسارت وی از تعبیر علامه نسبت به او «مولى السکونی» تقویت می‌شود؛ در احتمال قوی، معنای مولى در اینجا «آزاد کرده» است که معلوم می‌شود وی نخست غلام سکونی «که خود از اصحاب حضرت صادق علیه السلام و قاضی بصره و مردی موجه بوده است) بوده. احتمال دیگری نیز موجود است و آن این که مولى به معنی حلیف و هم‌پیمان باشد؛ ولی این نیز احتمال اسارت یا مهاجرت بزنی را تأیید می‌کند؛ زیرا معمولاً افراد غیر عرب، خود را به‌شخصیت‌ها یا قبایل معروف منتسب و هم‌پیمان می‌کردند. شیخ طوسی درباره وی می‌گوید: ثقة، لقی الرضا علیه السلام و کان عظیم المنزلة عنده (الفهرست: ۶۱). نجاشی نیز از منزلت والایی او نزد امامان رضا و جواد علیه السلام یاد کرده است (رجال النجاشی: ۵۸۷-۵۸۹). علامه حلی درباره وی گفته است: لقی الرضا علیه السلام و کان عظیم المنزلة عنده، وهو ثقة جلیل‌القدر (رجال العلامة: ۶۱). بزنی در سال ۲۲۱ یا ۲۲۲ چشم از جهان فروبست و به‌سرای باقی شتافت (رجال البرقی: ۵۴).

۴-۵. فضالہ بن ایوب ازدی اهوازی

از بزرگان اهل حدیث و ثقات آن‌هاست. صداقت، امانت و پاکی طینت او را دانشمندان علم رجال ستوده و به‌مرویاتش اعتماد کرده‌اند. گروهی وی را از «اصحاب اجماع» می‌دانند و به‌فقاہت او نیز اعتماد دارند. علامه کشی پس از نقل اجماع اصحاب بر تصحیح روایات اصحاب اجماع، می‌گوید: بعضی به‌جای حسن بن محبوب، حسن بن علی بن فضال و فضالہ بن ایوب را گفته‌اند (رجال الکشی: ۵۵۶). نجاشی درباره وی می‌نویسد: «کان ثقة فی حدیثه، مستقیماً فی دینہ» (همان) در «رجال برقی»، او از اصحاب امام کاظم علیه السلام شمرده شده است (رجال البرقی: ۴۹). فضالہ بن ایوب از امام رضا علیه السلام هم روایت می‌کند. وی همچنین از جمعی از اصحاب ائمه هدی علیهم السلام همچون: معاویة بن عمار، ابن‌مسکان، عبداللہ بن بکیر، و ابن‌سنان، روایت کرده است.

نام شریفش در ۴۱۷ مورد از اسناد روایات وارد شده است. راویانی چون محمد بن عیسی، محمد بن خالد و علی بن اسماعیل میثمی از او روایت کرده‌اند. در «فهرست» شیخ طوسی، کتابی برای او ذکر شده است که احمد بن ابی عبداللّه برقی آن را روایت می‌کند (الفهرست: ۲۰۰). این بزرگوار، قبل از سال ۲۰۳ق، در قید حیات بوده و در اهواز سکونت داشته است (رجال ابن داوود: ۱۵۱).

۴-۶. عثمان بن عیسی

ابوعمر و عامری کلابی را برقی در رجالش از اصحاب امامان صادق و کاظم علیهما السلام دانسته است. شیخ طوسی، وی را در شمار اصحاب امامان کاظم و رضا علیهما السلام نام برده است. وی از سران واقفیه بود و از ناحیه امام کاظم علیه السلام در مصر، وکالت داشت و وجوه مختلف مالی را از شیعیان اخذ نموده، به حضرت تحویل می‌داد و چون نهاد وکالت گسترش چشمگیری یافته بود و از طرفی حضرت علیه السلام در زندان به سر می‌برد، امکان ارسال وجوهات به خدمت حضرت وجود نداشت. به همین دلیل، اموال زیادی از حضرت، پس از شهادت، در نزد وی بود. امام رضا علیه السلام برای او نوشت تا اموال را نزد ایشان بفرستد. وی ابتدا خودداری کرد. حضرت خشمگین شد. وی پشیمان شد و توبه کرد و اموال را برای حضرت فرستاد (رجال الکشی: ۵۹۷؛ رجال النجاشی: ۳۰۰). شیخ طوسی در «عدة» می‌فرماید: طائفه شیعه بر عمل به روایات او اجماع دارند. حاجی نوری در «مستدرک الوسائل» می‌نویسد: وی ثقه است و اخبار او مورد اعتماد، و نسبت وقف و خیانت، ضرری به ثاقت او نمی‌زند؛ یا به جهت عدم صحت نسبت، یا به دلیل زوال و بازگشت و استبصار وی. وی سپس استدلال کرده که او یکی از اصحاب اجماع است. (سفینه البحار: ۱۶/۱۴۷). طبق نقل مؤلف «أحسن التراجم»، نام او در ۷۴۳ مورد در اسناد روایات واقع شده است. وی از جمعی از بزرگان روایت می‌کند، از جمله: ابو حمزه ثمالی، علی بن مهزیار، علی بن سندی، سهل بن زیاد آدمی. عثمان بن عیسی تألیفاتی دارد، از جمله کتاب «المیاه» که محمد بن حسین بن ابی الخطاب، آن را از وی نقل می‌کند و نیز کتاب‌های: «القضایا، الأحکام، الوصایا، الصلاة»، وی، تا قبل از سال ۲۰۳ق، در قید حیات بوده است (رجال العلامة: ۳۸۲؛

طوسی، الغیبة: ۲۱۳؛ مازندرانی، معالم العلماء ۱۳۸۰: ۸۸؛ معجم الثقات: ۱۲۹/۱۲-۱۳۶).

۴-۷. حسن بن علی بن فضال

کشی، از بعضی نقل می‌کند که به جای «حسن بن محبوب»، «حسن بن علی بن فضال» را از اصحاب اجماع برشمرده‌اند (رجال الکشی: ۵۵۶). وی از محدثان مشهور و راویان امام رضا علیه السلام به‌شمار می‌رفته و از خاصان آن حضرت بوده است که به عبادت، زهد و دانش، معروف بوده است (رجال الکشی: ۳۴۵). خاندان بنی فضال از خاندان‌های علمی شیعه است که محدثان فراوانی را به جامعه ارزانی داشتند؛ منتها اینان پس از امام جعفر صادق علیه السلام به امامت عبدالله افطح، فرزند آن حضرت، اعتقاد پیدا کردند؛ ولی افرادی ثقه بودند؛ لذا جمعی به امام عرض کردند که انبوهی از کتاب‌هایی که توسط رجال خاندان بنو فضال نوشته شده، در منازل ما، وجود دارد. تکلیف ما نسبت به آن‌ها چیست؟ فرمود: «خذوا ما رووا و ذروا ما رأوا» (انصاری، فرائد الاصول ۱۴۲۸ق: ۱/۳۰۶)؛ به روایات آنان عمل کنید؛ ولی معتقدات آن‌ها را کنار بگذارید. شیخ طوسی درباره وی می‌گوید: او نخست فطحی مذهب بود؛ اما در زمان فوتش، به امامت حضرت ابوالحسن موسی علیه السلام رجوع کرده، از حضرت رضا علیه السلام نقل نموده و از نزدیکان حضرت محسوب می‌شده، مردی جلیل‌القدر و عظیم‌المنزله بوده و در روایاتش ثقه بوده است (الفرهست: ۹۷). این راوی، دارای مکانت والایی نزد دانشمندان حدیث و رجال است. تألیفات او عبارت‌اند از: التفسیر، الابتداء والمبتدأ، الزهد، الملاحم، الدیات، الرد علی الغالیة، النوادر، شواهد من کتاب الله، الزیارات، الناسخ والمنسوخ، المتعة (رجال العلامة: ۹۸؛ معجم رجال الحدیث: ۴۸/۶-۵۷).

۴-۸. یونس بن عبدالرحمان اسدی.

سلمان روزگار، فقیهی صاحب نام، مفسری معروف و محدثی پرتوان و از ارکان مذهب شیعه در عصر خود به‌شمار می‌رفته است. از خاصان امامان کاظم و رضا علیه السلام و پردانش‌ترین اصحاب آن دو امام بوده که در زمان خلافت نهمین خلیفه اموی، هشام بن عبدالملک (۱۲۵-۱۰۵ق)، پا به عرصه گیتی نهاد و از آن روزی که خود را شناخت، با اشتیاق کامل به آموختن معارف عالی‌ه

الهی همت گماشت و از زلال دانش ائمه هدی علیهم السلام برخوردار گشت و به مرتبه‌ای از دانش و بینش رسید که فقیه، محدث و متکلم سرشناس، فضل بن شاذان، کسی را فقیه‌تر از او نمی‌دانست و می‌فرمود: یونس، همانند سلمان فارسی رشد یافته و پس از او داناترین محدثان اسلام است (رجال الکشی: ۲۰۳ و ۴۸۵). وی به حدی مورد اعتماد بود که امام رضا علیه السلام توجه شیعیان را در بهره‌گیری از دانش دینی و استفتا در مسائل شرعی به یونس معطوف می‌داشت. قاطبه ارباب تراجم و رجال، او را توثیق و به جلالت و عظمت یاد کرده‌اند؛ راوی شناس شهیر، نجاشی، درباره‌اش می‌نویسد: «کان وجهها فی أصحابنا، متقدما، عظیم المنزلة» (رجال النجاشی: ۴۴۶)؛ او آبروی امامیه و پیشوا و جلیل القدر است. شیخ طوسی در رجالش او را ثقه معرفی کرده است. علامه حلی می‌فرماید: ابو محمد یکی از چهره‌های درخشان عالم تشیع است (رجال العلامة: ۲۹۶).

در فضل و کمال او همین بس که عبدالعزیز بن مهتدی - از اخیار قم و از خواص و وکلای حضرت رضا علیه السلام - از حضرت می‌پرسد: گاهی توفیق پیدا نمی‌کنم تا خدمت شما برسم. از چه فردی مسائل و احکام دینم را بپرسم؟ حضرت فرمود: «از یونس بن عبدالرحمان بپرس» (همان: ۴۸۳).

یونس، روایتگر حدود ۲۶۳ حدیث با واسطه و بدون واسطه از ائمه هدی علیهم السلام بوده است. شیخ طوسی در فهرست خود می‌گوید که یونس، بیش از سی کتاب داشته است؛ و نجاشی در رجالش بیش از سی مورد نام برده است، از باب نمونه؛ کتاب‌ها به وی نسبت داده شده است: الیوم واللیلة، تفسیر القرآن (رجال النجاشی: ۴۴۷). داوود بن قاسم جعفری می‌گوید: کتاب «یوم ولیله» یونس را به محضر شریف امام حسن عسکری علیه السلام عرضه داشتم فرمود: تصنیف کیست؟ گفتم: یونس مولی آل یقطین. فرمود: أعطاه الله بكلّ حرف نورا یوم القيامة (رجال الکشی: ۴۹۱).

۴-۹. محمد ابی عمیر ازدی بغدادی بن

محمد بن ابی عمیر بن زیاد بن عیسی ازدی بغدادی، مکنّی به ابو احمد، از اجلّه مشایخ امامیه و از ثقات اصحاب حضرت موسی بن جعفر و حضرت رضا و حضرت جواد علیهم السلام است که در

نزد مخالف و دوستان، مورد احترام و عابدترین و متعبدترین افراد عصر خود بود(قمی، تفسیر قمی ۱۴۰۴: ۱۲/۱). اسامی حدود ۳۵۰ تن از مشایخ ابن ابی عمیر جمع آوری شده است و او با این که مشایخی از اهل سنت داشت، اما هیچ گاه روایات عامه را باز نمی گفت. شادان بن خلیل نیشابوری، علت این امر را از او جویا شد. او پاسخ داد: من از عامه روایت ها شنیده ام؛ لیکن چون می بینم بسیاری از اصحاب ما روایات فریقین را با هم دریافت کرده اند و در بازشناسی آن ها دچار اشتباه و تخلیط شده اند، به گونه ای که حدیث اهل سنت را با سند شیعی و حدیث شیعه را با اسناد به اهل سنت نقل کرده اند، نخواستم که من نیز به این مشکل گرفتار آیم؛ و لذا تصمیم گرفتم جز آرای شیعه و ائمه علیهم السلام، چیزی را نقل نکنم (همان: ۱۱؛ رجال الکشی: ۵۹۰).

در این که چرا هیچ اثری از آثار این بزرگ مرد به دوران ما نرسیده است، تاریخ نگاران چند دلیل نوشته اند: یک؛ چون نام بسیاری از شیعیان برجسته در سلسله اسناد حدیث آمده بود و خطر افشا شدن نام آنان وجود داشت، لذا کتاب ها در منزل خواهرش نگاهداری می شد که بر اثر باریدن باران و رطوبت، تمام آن ها از بین رفت. دو؛ برخی گفته اند خواهر یا خواهرزاده اش، هنگامی که او را به زندان افکندند، آن ها را در زمین دفن کرده بود؛ بدین سبب از بین رفتند (همان: ۳۲۶). رابطه نزدیک ابن ابی عمیر با امامان معصوم و مرجعیت علمی او سبب شده بود که وی آماری از پیروان آل علی علیهم السلام در اختیار داشته باشد. نزد هارون شکایت کردند که وی اسامی شیعیان عراق را در اختیار دارد. خلیفه از او خواست نام شیعیان را افشا کند. وی از افشای نام آن ها خودداری کرد. این مطلب بر هارون گران آمد؛ دستور داد او را دستگیر کردند و در زندان افکندند و چندین سال زندانی بود. پس از آن، او را به نزد هارون آوردند و از او خواستند تا نام شیعیان را بگوید. او مقاومت کرد. هارون دستور داد تا صد ضربه تازیانه به او بزنند. خود او گوید: هنگامی که مرا می زدند، تعداد شلاق ها که به صد رسید، توانم از دست رفت و نیروی ایمانم به سر رسید؛ نزدیک بود نام شیعیان را بر زبان آورم؛ در این لحظه شنیدم محمد بن یونس بن عبدالرحمان به من می گفت: «یا ابن ابی عمیر! اذکر موقفك عند الله؛ ای محمد بن ابی عمیر! جایگاه خودت را در پیشگاه خداوند در نظر آر». من با شنیدن این سخن به خود آمدم و قوت قلب پیدا کردم و به زجر و شکنجه صبر کردم و نگفتم. الحمد لله! (رجال

الکشی: ۵۹۱). ابن ابی عمیر، پس از آزادی، تنها با تکیه بر حافظه به ذکر حدیث می پرداخت و چون دقت و تعهدش نسبت به نقل حدیث از راویان ثقه فوق العاده بود، از این رو مشایخ رسالات وی را تلقی به قبول کرده اند (کلیات علم الرجال: ۲۱۵). نجاشی می نویسد که او در سال ۲۱۷ق، به بهشت عنبر سرشت رحلت کرد (رجال النجاشی: ۳۲۷).

۵. نقد و بررسی نظریه‌ها

با توجه به مقام علمی و اخلاقی اصحاب اجماع که در نزد امامان معصوم؛ یعنی امام باقر و امام صادق علیهما السلام، امام صادق علیه السلام و امام کاظم و امام رضا علیهما السلام و نیز با توجه به جایگاه علمی و اخلاقی آن‌ها در نزد علمای شیعه با بررسی هر یکی از اصحاب اجماع، به صورت فردی و تنهایی، می توان هر سه نظریه و برداشتی که از جمله: **أجمعت العصابة علی تصحیح ما یصح عنهم** مرحوم کشی شده را، نقد و بررسی نمود:

نظریه توثیق حداکثری: اگر منظور از جمله مرحوم کشی، اجماع علمای شیعه، بر اثبات توثیق حداکثری باشد؛ یعنی توثیق تمام متن «مروی» منقول از اصحاب اجماع و مروی عنه‌ها؛ اعم از مشایخ اصحاب اجماع و کسانی که از آن‌ها نقل حدیث نموده اند. این توثیق حداکثری مستلزم دو امر بسیار مهم و اساسی یا به تعبیر دیگر مستلزم دو امر محال است:

یک. باید علمای شیعه به تمام احادیث منقول از تک تک اصحاب اجماع دسترسی می داشتند و تک تک احادیث را بررسی می کردند تا با قرائن خارجی، علم به صحت تک تک احادیث منقول از هر یکی از اصحاب اجماع پیدا می کردند. بنابراین، اولاً؛ احاطه علمی علما به تک تک احادیث منقول از هر یکی از اصحاب اجماع، که موجب قطع به صحت آن‌ها شود، قابل احصا و شمارش نمی باشد. چنانچه محمد بن مسلم که یکی از اصحاب اجماع است و می گوید: «از امام باقر علیه السلام سی هزار حدیث و از امام صادق علیه السلام شانزده هزار حدیث شنیدم» (کشی، رجال الکشی ۱۴۰۹: ۱۶۳ ش ۲۷۶). ثانیاً؛ وقتی تنها در تک تک احادیث زاره احاطه علمی معمولاً پیدا نشود و قابل احصا نباشد که یکی از اصحاب اجماع می باشد؛ پس اطلاع علمی به تمام احادیث از تمام اصحاب اجماع معمولاً محال است تا با قرائن خارجی

به تک تک احادیث قطع و علم به صحت و صدور آن از معصوم پیدا شود. بنابراین، نه دلیلی بر این اجماع وجود دارد و نه دلیلی بر حجیت آن موجود است.

دو؛ باید علمای شیعه بر تمام مشایخ اصحاب اجماع و به واسطه‌های که اصحاب اجماع از آن‌ها با واسطه یا بدون واسطه مسندا و مرسلا نقل حدیث نموده‌اند، علم و یقین به وثاقت آن‌ها داشته باشند تا دلیل بر اجماع اصحاب اجماع و دلیل بر حجیت آن اجماع باشد. اولاً؛ با توجه به این‌که در آن زمان کتاب‌های رجال نبود تا به صورت مجموع از عالمی به عالم دیگر، کتاب‌های رجال و احادیث و قواعد و قرائن توثیق دست به دست می‌شد و شهر و بلادها نیز بسیار از هم دیگر دور بودن نه تنها، علما از احوال هم‌دیگر بی‌خبر بودند بلکه بسیاری از علما از وجود هم‌دیگر نیز بی‌خبر بودند. بنابراین، مجرد تصور که موجب تصدیق نمی‌شود. ثانیاً؛ در مشایخ اصحاب اجماع، کاذب، وضاع و ضعیف نیز بودن که اصحاب اجماع از آن‌ها نقل حدیث نموده‌اند. پس همه‌ای مشایخ ثقه نبودند چه رسد به واسطه‌های مجهول الحال. بنابراین، توثیق حداکثری ممکن نیست؛ چون مستلزم دو امر محال می‌شود که بیان شد.

نظریه توثیق حداقلی: منظور مرحوم کشی و علما از اجماع در اصحاب اجماع، تنها توثیق اصحاب اجماع بدون توثیق احادیث منقول از آن‌ها نیز نمی‌باشد؛ زیرا بسیار از راویان دیگر نیز توسط مرحوم کشی و علمای رجال توثیق شده‌اند اما همانند اصحاب اجماع به صورت مستقل مورد بحث قرار نگرفته‌اند اما از این‌که مرحوم کشی و علمای دانش رجال، بحث اصحاب اجماع را به صورت مستقل قرار داده و جایگاه خاصی برای آن‌ها قائلند، دانسته می‌شود که تنها توثیق اصحاب اجماع در نقل حدیث نمی‌باشد؛ زیرا توثیق در نقل حدیث می‌شد همانند سائر راویان ثقه، توثیق کرد اما این‌که اهمیت خاصی در در بحث اصحاب اجماع، جمع آوری جمله‌های امام معصوم علیه السلام و تعبیرهای علمائی در باره‌ای آن‌ها، نشان می‌دهند که علمای دنبال اثبات توثیق اصحاب اجماع در بیش از نقل حدیث می‌باشند.

نظریه مختار: توثیق حدمیانه است: زیرا با نفی دو نظریه توثیق حداکثری و حداقلی، می‌توان گفت که منظور مرحوم کشی و علماء دانش رجال، از توثیق اصحاب اجماع در نقل حدیث و نیز صحیح دانستن احادیثی هستند که با طریق صحیح از آن‌ها نقل شده‌اند؛ زیرا که

عبارت «علی تصحیح»، به معنای توثیق خود اصحاب اجماع در نقل حدیث است چنان‌که در برخی از موارد در جای عبارت فوق «علی تصدیق هؤلاء»، آمده است که صراحت بر تصدق و توثیق اصحاب اجماع در نقل حدیث دارد منظور از «ما» در یصح، روایت است چنان‌که قید «یصح عنهم» به معنای اینست که احادیثی از طریق صحیح از آن‌ها نقل شده‌اند، نیز قابل توثیق و تصدیق می‌باشد در برخی موارد در جانی آن «یصح منهم» بیان شده که هر دو تعبیر، بر توثیق احادیث منقول با طریق از اصحاب اجماع دلالت دارد. بنابراین، توثیق حد میانه، با جمله‌های امامان معصوم درباره اصحاب اجماع و تعبیرهای علما از قبیل افقه، معتمد، عادل و صادق، اورع ... نیز با توثیق حد میانه سازگاری دارند و آن را تأیید می‌کنند اما شامل توثیق احادیث مرسل و منقطع آن‌ها و نیز شامل توثیق مشایخ و وسائط نمی‌گردد.

منظور از «اجتمعت العصابة» یعنی چه نوع اجماعی می‌باشد؟ با توجه به نظریه مختار «توثیق حد میانه» از جمله مابعد آن، استفاده شد، می‌توان گفت که منظور کشی از اجماع، بدست آوردن و تحصیل اتفاق نظر علمای شیعه در توثیق اصحاب اجماع در نقل حدیث و احادیثی می‌باشد که با طریق صحیح از آن‌ها نقل شده‌اند. با توجه در جمله‌های امامان معصوم علیهم‌السلام در مورد تک تک اصحاب اجماع و تعبیرهای علمای معروف شیعه در باره آن‌ها که در شرح حال مختصر آن‌ها بیان شد، همین اجماع محصل دانسته می‌شود که مرحوم کشی با قرائن داخلی و خارجی، اتفاق و اجماع علمائی معروف شیعه را در توثق اصحاب اجماع و احادیثی که با طریق صحیح از آن‌ها نقل شده‌اند، تحصیل نموده و بدست آورده است. سپس این اجماع، شهرت یافته و در کتاب‌ها مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. بنابراین، رسیدن این اجماع برای ما یا تحت عنوان اجماع منقول یا شهرت فتوایی می‌باشد که حجیت و اعتبار هر دو نیاز به بررسی و تحقیق مستقل دارد. هر چند طبق نظر شیخ انصاری و برخی از اصولیین، شهرت فتوایی و اجماع منقول فاقد اعتبار و حجیتند (انصاری، فراند الاصول ۱۴۲۸: ۱/ ۱۸۰ و ۲۳۰)، اما برخی حجیت شهرت فتوایی قبل از شیخ طوسی را پذیرفته‌اند و در اجماع منقول نیز علی‌رغم این‌که اجماع منقول، از نوع خبر واحد حدسی می‌باشد و برخی تنها خبر واحد حسی را حجت می‌دانند اما برخی حجیت اجماع منقول را

مشمول ادله حجیت خبر واحد می‌داند.

نتیجه

با توجه به آنچه که تبیین شد و با مرور و بررسی عبارات فقیهان و علما در مورد اصحاب اجماع دو امر ذیل دانسته می‌شود:

یک؛ منظور از جمله مرحوم کشی: **تصحیح ما یصحّ عنهم**، توثیق اصحاب اجماع در نقل حدیث و نیز توثیق احادیث صحیح اصحاب اجماع است که به طریق صحیح از اصحاب اجماع نقل شده‌اند. این توثیق حدمیانه است که توثیق علاوه بر اصحاب اجماع، توثیق تمام متن احادیث اصحاب اجماع، تمام مشایخ و واسطه‌های که از آن‌ها اصحاب اجماع نقل حدیث نموده‌اند، شامل نمی‌گردد؛ زیرا مستلزم دو امر محال می‌گردد: اولاً؛ هر یکی از علمای شیعه در آن زمان، می‌بایست به تک تک احادیث هر یکی از اصحاب اجماع احاطه علمی می‌داشت تا با قرائن داخلی و خارجی، علم و یقین به صدور همه‌ای آن‌ها از امام معصوم پیدا می‌نمود تا بر اساس ملاک‌ها و قرائن، حکم بر تصدیق و توثیق تمام احادیث اصحاب اجماع می‌کرد. با توجه به کثرت احادیثی که هر یکی از اصحاب اجماع نقل نموده است؛ از باب نمونه تنها محمد بن مسلم بیش از سی هزار از امام باقر علیه السلام و بیش از شانزده هزار حدیث از امام صادق علیه السلام نقل نموده است، احاطه علمی بر آن‌ها محال بود. ثانیاً. هر یکی از علمای شیعه آن زمان باید تک تک مشایخ و واسطه‌های که اصحاب اجماع از آن‌ها نقل حدیث نموده‌اند، احاطه علمی می‌داشت تا همه‌ای آن‌ها را تصدیق می‌نمودن. با توجه به عدم وجود کتاب‌ها و قواعد رجالی مدون و دوری بلاد و شهرها، احاطه علمی همه‌ای علمای شیعه بر آن‌ها محال بود. در نتیجه، هر دو امر محال می‌باشد. اگر منظور از جمله فوق، تنها توثیق اصحاب اجماع در نقل حدیث باشد، نیز با عبارت‌ها علمایی شیعه و جایگاه خاص اصحاب اجماع در نزد آن‌ها و جمله‌های امام معصوم علیه السلام در مورد هر یکی از آن‌ها سازگاری ندارد. در نتیجه، توثیق حدمیانه، با جمله‌های امامان معصوم علیهم السلام در باره اصحاب اجماع و عبارت‌ها و جمله‌های علما و فقیهان شیعه نیز در باره اصحاب اجماع با نظریه توثیق حدمیانه، سازگاری دارند و آن را تأیید

می‌کنند.

دو؛ منظور از اجتماع العصابة، با توجه به این‌که از جمله مابعد آن، توثیق حدمیانه استفاده شد، می‌توان گفت: منظور مرحوم کشی، از آن اجماع، اتفاق نظر و اجماعی است که از جمله‌های امامان معصوم علیهم‌السلام و عبارت‌های علمائی معروف شیعه در باره اصحاب اجماع بدست آورده است که از نوع اجماع محصل است اما برای ما یا از طریق اجماع منقول و یا شهرت فتوایی رسیده است که در مورد حجیت هر دو اختلاف نظر است و نیاز بر تحقیق مستقل دارد.

کتابنامه

- آقا بزرگ طهرانی، الذریعة الى تصانیف الشیعة، بیروت-لبنان: نشر دار الأضواء، بی تا.
- ابطحی، سید محمدعلی، الأبطحی، تهذیب المقال، قم-ایران: دوم، نشرین المؤلف السید محمد، ۱۴۱۷.
- ابن حجر، لسان المیزان، بیروت-لبنان: نشر مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰-۱۹۷۱ م.
- ابن ندیم، الفهرست، «تحقیق: یوسف علی طویل»، بیروت-لبنان: دارالکتب العلمیة، بی تا.
- انصاری، مرتضی، فرائد الأصول، قم-ایران: مجمع الفکر، نهم، ۱۴۲۸ ه.ق.
- برقی، احمد، رجال البرقی، تهران-ایران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۳ ه.ق.
- تفرشی، حسین، سید مصطفی، نقد الرجال، قم-ایران: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، اول، ۱۴۱۸ ه.ق.
- تقریر بحث الفانی، لمکی، بحوث فی علم الرجال، بی جا: نشر مؤسسة العروة الوثقی، دوم، ۱۴۱۴.
- حائری، مازندرانی، شیخ محمد، منتهی المقال، ایران-قم: انتشارت مؤسسه آل البيت علیهم السلام، اول، ۱۴۱۶ ه.ق.
- حلی، ابن داوود، حسن، رجال ابن داود، تهران-ایران: انتشارت دانشگاه تهران، ۱۳۸۳ ه.ق. حلی، محقق، نجم الدین، جعفر، المعتبر فی شرح المختصر، قم-ایران: مؤسسه سید الشهداء علیه السلام، اول، ۱۴۰۷ ه.ق.
- حلی، ابن سعید، جامع الشرائع، «مصحح: جمعی از محققین تحت إشراف شیخ جعفر سبحانی»، قم-ایران: نشریحیی بن سعید، ۱۴۰۵ ه.ق.
- حلی، حسن، رجال العلامة: خلاصة الاقوال، نجف اشرف-عراق: منشورات المطبعة الحیدریة، دوم، ۱۳۸۱ ه.ق.
- خوبی، موسوی، سیدابو القاسم، معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرجال، بی جا: بی نا، بی تا.
- سبحانی، شیخ جعفر، کلیات فی علم الرجال، قم-ایران: مؤسسة النشر الإسلامی، سوم، ۱۴۱۴.
- شرف الدین، سید عبدالحسین، المراجعات، بیروت-لبنان: دار و مكتبة الرسول الاکرم ﷺ، بی

تا.

- شهبیدثانی، زین الدین، **مسالك الأفهام؛** « مصحح: گروه پژوهش مؤسسه معارف اسلامی»، قم-ایران: نشر مؤسسه المعارف الإسلامية، ۱۴۱۳ هـ.ق.
- شیبانی کوفی، احمد، **رسالة أبي غالب الزراري؛** «محقق: گروه پژوهش مرکز تحقیقات و پژوهش های اسلامی»، ایران قم، اول، ۱۴۱۱ هـ.ق.
- صاحب معالم، شیخ حسن، **التحریر الطاووسی؛** «تحقیق: فاضل الجواهری»، نجف-عراق: مکتبه آية الله العظمی المرعشی النجفی، ۱۴۱۱ هـ.ق.
- صدر، سید حسن، **نهاية الدراية؛** «تحقیق: ماجد الغرابوی» قم-ایران: نشر المشعر، بی تا. صدوق، **من لایحضره الفقیه،** قم-ایران: نشر مؤسسه النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسين بقم، الثاني، ۱۴۱۳ هـ.ق.
- طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن، **رجال الشيخ الطوسي - الأبواب،** قم-ایران: دفتر انتشارات اسلامی، سوم، ۱۴۲۷ هـ.ق.
- _____ **تهذيب الأحكام،** تهران-ایران: دارالکتب الإسلامية، چهارم، ۱۴۰۷ هـ.ق.
- _____ **عدة الأصول،** بی جا: مؤسسه آل البيت عليه السلام، نشر مؤسسه آل البيت عليه السلام، بی تا.
- عاملی، بهاء الدین، محمد بن حسین، **الوجيزة في علم الدراية،** قم-ایران: کتابفروشی بصیرتی، اول، ۱۳۹۰ هـ.ق.
- عاملی، حرّ، محمد، **وسائل الشيعة،** قم-ایران: مؤسسه آل البيت عليه السلام، اول، ۱۴۰۹ هـ.ق.
- عرفایان، غلامرضا، **مشايخ الثقات،** بی جا: نشر مؤسسه النشر اسلامی، اول، ۱۴۱۷.
- قمی، ابن قولویه، جعفر، **کامل الزیارات،** نجف-عراق: دار المرتضوية، ۱۳۹۸ هـ.ق.
- قمی، شیخ عباس، **الکني والألقاب،** تهران-ایران: مکتبه الصدر، بی تا.
- _____ **سفينة البحار،** نجف-عراق: المطبعة العلمية، ۱۳۵۲.
- _____ **تحفة الأحياب في نوادر آثار الأصحاب،** بی جا: دارالکتب الاسلامیة، بی تا.
- کشی، ابوعمر، محمد، **رجال الکشي: اختيار معرفة الرجال؛** «مصحح: دکتر حسن مصطفوی»، ایران-مشهد، نشر مؤسسه نشر دانشگاه مشهد ۱۴۰۹ هـ.ق.
- مازندرانی، ابن شهر آشوب، رشیدالدین محمد، **معالم العلماء،** منشورات المطبعة الحيدرية، نجف اشرف - عراق، اول، ۱۳۸۰ هـ.ق.

بازشناسی توثیق اصحاب اجماع □ ۷۷

- مفید، الاختصاص، قم-ایران: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ هـ ق
- _____، **جوابات أهل موصل فی العدد والرؤية**: «تحقیق: الشیخ مهدی نجف»، بیروت- لبنان: نشر دار المفید للطباعة، ۱۴۱۴ - ۱۹۹۳ م.
- نجاشی، احمد، **رجال النجاشی**؛ «محقق سید موسی شبیری زنجانی»، ایران-قم: انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۷ هـ ق.
- نوری، میرزا حسین، **خاتمه مستدرک**؛ «مصحح: گروه پژوهش مؤسسه آل البيت علیهم السلام»، قم- ایران: اول: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، بی تا.

